

أهم الأعمال لتعجيل فرج الإمام (ع) مهمترین اعمال برای تعجيل فرج امام (ع)

أما أهم الأعمال لتعجيل فرج الإمام فهي:
مهمترین اعمال برای تعجيل فرج امام (ع) عبارتند از:

١- التفقه في الدين: ١ - تفقه در دين:

ويشمل:
که شامل:

أ- قراءة القرآن وتفسيره:
الف - خواندن و تفسير قرآن:

قال رسول الله : (أيها الناس إنكم في زمان هدنة، وأنتم على ظهر سفر والسير بكم سريع، فقد رأيتم الليل والنهار والشمس والقمر يبليان كل جديد، ويقربان كل بعيد، ويأتیان بكل موعود، فأعدّوا الجهاز لبعث المفاز. فقام المقداد، فقال: يا رسول الله ما دار الهدنة؟ قال: دار بلاء وانقطاع، فإذا التبست عليكم الفتن كقطع الليل المظلم فعليكم بالقرآن، فإنه شافع مشفع وماحل [769] مصدق، من جعله أمامه قاده إلى الجنة، ومن جعله خلفه ساقه إلى النار، وهو الدليل على خير سبيل، وهو كتاب فيه تفصيل وبيان وتحصيل، وهو الفصل ليس بالهزل، له ظهر وبطن، فظاهره حكمة، وباطنه علم، ظاهره أنيق وباطنه عميق، له تخوم وعلى تخومه تخوم [770]، لا تحصى عجائبه، ولا يبلى غرائبه، فيه مصابيح الهدى، ومنار الحكمة، ودليل على المعروف لمن عرفه) [771].

رسول خدا (ص) فرمود: «ای مردم! شما در هنگامه‌ی صلح و آرامش کم دوام هستید و در انتظار سیر و سفری که به زودی خواهید داشت. می بینید که شب و روز و چرخش آفتاب و ماه هر تازه‌ای را کهنه می کند و هر دوری را

نزدیک می‌سازد و هر وعده‌ای را وفا می‌نماید. پس توشه و زاد را آماده سازید که راه بس طولانی است. در این هنگام مقداد بن اسود برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! دوران آرامش و کم‌دوام (هُدنة) چیست؟ پس آن حضرت فرمود: خانه‌ی آزمون‌ها و دل‌بریدن‌ها. پس اگر فتنه‌ها همانند پاره‌های شب تار شما را فرا گرفت، بر شما باد که به قرآن پناه برید که شفاعت آن پذیرفته شده است و شکایتش مورد قبول واقع می‌گردد. کسی که آن را رهبرش قرار دهد، به بهشتش خواهد برد و آن که جلوتر از قرآن حرکت کند و آن را پشت سر خود قرار دهد، به دوزخش اندازد. قرآن، راهنمایی است که به بهترین راه رهبری می‌کند و کتابی است که تفصیل معارف و بیان حقایق و تحصیل امور را باید از آن جست. قرآن جداکننده‌ی حق و باطل است و کلامی از روی لغو مزاح نیست. ظاهر و باطن دارد، ظاهرش حکم و درونش دانش ژرف است، برونش زیبا و شگفت‌انگیز و درونش عمیق است. قرآن کرانه‌هایی دارد و کرانه‌هایش خود دارای کرانه‌هایی می‌باشند. مسایل اعجاب‌انگیزش به شماره درنیاید و غریب و عجایبش فرسوده نگردد. چراغ‌های هدایت و مشعل‌های فروزان حکمت در آن است و برای آن کس که با حقایقش آشنا باشد، هدایت به سوی معرفت وجود دارد» [772].

و عن أمير المؤمنين (ع)، قال: (سمعت رسول الله يقول: أتاني جبرائيل فقال: يا محمد سيكون في أمتك فتنة. فقلت: فما المخرج منها؟ فقال: كتاب الله، فيه بيان ما قبلكم من خبر وخبر ما بعدكم وحكم ما بينكم، وهو الفصل ليس بالهزل، من وليه من جبار فعمل بغيره قصمه الله، ومن التمس الهدى في غيره أضله الله، وهو حبل الله المتين وهو الذكر الحكيم، وهو الصراط المستقيم، لا تزيغه [773]) الأهوية، ولا تلبسه الألسنة، ولا يخلق على الرد [774])، ولا ينقض عجايبه ولا يشبع منه العلماء، وهو الذي لم تكنه [775]) الجن إذ سمعه إذ قالوا إنا سمعنا قرآناً عجباً يهدي إلى الرشده. من قال به صدق، ومن عمل به أجر، ومن اعتصم به هدي إلى

صراط مستقیم، هو الكتاب العزيز الذي لا يأتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه
تنزيل من حكيم حميد) [776].

و از امیر المؤمنین (ع) روایت شده است که فرمود: «شنیدم رسول خدا
(ص) می فرماید: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد! در امت تو فتنه‌ای
واقع خواهد شد. گفتم: راه خروج از آن چیست؟ گفت: کتاب خدا که در آن
بیان کسانی که پیش از شما بودند و خبر کسانی که پس از شما می آیند و حکم
بین شما می باشد. قرآن جدا کننده‌ی حق و باطل است و کلامی از روی لغو و
مزاح نیست. هر کس دوستی غیر از جبار برگزیند و به غیر آن عمل کند، خداوند
او را درهم می شکند و هر کس که از غیر آن هدایت جوید، خداوند گمراهش
کند. قرآن همان ریسمان استوار الهی و ذکر حکیم است، و همان صراط
مستقیم. با خواست‌های نفسانی منحرف نمی شود، و زبان‌ها آن را نپوشانند و
پاسخ‌هایش پوسیده نگردد، عجایش پایانی ندارد و علما از آن اشباع نگردند.
قرآن همانی است که اگر جنیان آن را بشنوند تحملش نکنند و گویند ما قرآنی
عجیب شنیدیم که به رشد و تعالی، هدایت می کند. هر کس بر اساس قرآن
بگوید تصدیق شود و هر کس به آن عمل کند اجر گیرد و هر کس به آن چنگ
زند به صراط مستقیم هدایت شود. کتاب عزیزی است که نه از پیش روی و نه
از پشت سرش باطل به آن راه ندارد. فرستاده‌ای است از سوی حکیم
ستوده» [777].

وورد في الحديث أنّ ثلاثة يثبتون إلى الله يوم القيام للحساب، فعن النبي قال:
(يجيء يوم القيامة ثلاثة يثبتون: المصحف والمسجد والعترة. يقول المصحف: يا
رب حرفوني ومزقوني. ويقول المسجد: يا رب عطلوني وضيعوني. وتقول العترة:
يا رب قتلونا وطرردونا وشرردونا. فأجثوا للركبتين في الخصومة، فيقول الله
(عزوجل) لي: أنا أولى بذل) [778].

در حدیث آمده است که در روز برپا شدن حساب، سه چیز به درگاه خداوند شکایت می‌کنند. از پیامبر (ص) روایت است که فرمود: «سه چیز روز قیامت می‌آیند و شکایت می‌کنند: مُصحف، مسجد و عترت. مصحف (قرآن) می‌گوید: پروردگارا! مرا تحریف کردند و پاره پاره نمودند. مسجد می‌گوید: پروردگارا! مرا تعطیل و ضایع کردند، و عترت می‌گوید: پروردگارا! ما را کشتند، آوره کردند و تار و مار نمودند پس برای ریشه‌کن کردن ما در دشمنی پای فشرده‌اند. خداوند جل جلاله به من می‌فرماید: من به خوار شدن سزاوارترم» [779].

القرآن والعترۃ والمسجد. فهل أنتم أيها الأخوة مستعدون لمواجهة هؤلاء الخصوم الثلاثة بين يدي الله (عزوجل)؟
قرآن، عترت و مسجد. ای برادران! آیا شما آماده‌ی رو در رو شدن با این سه دشمن در پیشگاه خداوند متعال در روز قیامت هستید؟

والأول: هو كتاب الله الماحل المصدق. والثاني: هو خليفة الله في أرضه.
والثالث: هو بيت الله.
اولی، کتاب خدا است که شکایتش پذیرفته است؛ و دومی، خلیفه و جانشین خداوند بر زمینش، و سومی، خانه‌ی خداوند است.

والحق أن أهل الأرض جميعاً لا يقوون على هذه المواجهة، فإذا كان الأمر كذلك فلنعمل جميعاً للنصح لهؤلاء الثلاثة، لنلتقي بهم يوم القيامة وهم راضون عنّا، فلنعيد للمسجد مكانته الحقيقية ونبث فيه ومنه علوم القرآن وحديث أهل البيت، ولننذكر الإمام صاحب الزمان (ع) في كل الأحوال، وهو الذي يمثل العترۃ اليوم، ولنقدّم قضيته على جميع القضايا، ولنقرأ القرآن ولا أعني الألفاظ فحسب، بل تدبّر معانيها واستقرأ مداليلها والعمل بها، والتخلق بأخلاق القرآن، ونشرها في المجتمع بعد العمل بها، فالذي يأمر الناس بمكارم الأخلاق ولا يطبقها لا يكون له أي تأثير فيهم، بل ربما تكون النتيجة عكسية. وقد ورد عنهم ما معناه: (كونوا لنا دعاة صامتين)

[780]، أي: بالعلم والعمل والسيرة الحسنة بين الناس لا بالقول فقط الذي هو أداة التعبير والدعوة الأساسية، وجاء في الكتاب الكريم: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ) [781].

در حقیقت هیچ یک از اهل زمین، توانایی چنین مواجهه‌ای را ندارد؛ حال که چنین است، پس همگی باید برای صلاح این سه، عمل کنیم، تا در روز قیامت در حالی با آنها ملاقات کنیم که از ما راضی باشند. پس باید به مسجد جایگاه حقیقی‌اش را برگردانیم، و در آن و از آن، علوم قرآن و حدیث اهل بیت (علیهم السلام) را منتشر کنیم. باید امام صاحب زمان (علیهم السلام) را در همه حال یاد کنیم؛ چرا که امروز او تمثیل عترت می‌باشد، و باید موضوع امام را بر همه‌ی قضایا مقدم بدانیم. باید قرآن بخوانیم، و منظورم فقط در لفظ نیست، بلکه تدبیر معانی‌اش، مستقر کردن آثارش و عمل به آن می‌باشد. باید خود را به اخلاق قرآن بیاریم و پس از عمل به آن، آن را در جامعه نشر دهیم، چرا که کسی که مردم را به مکارم اخلاق دعوت می‌کند در حالی که خود بر آنها منطبق نباشد، هیچ تاثیری بر دیگران نخواهد داشت، و حتی چه بسا نتیجه‌ی عکس حاصل کند. از اهل بیت (علیهم السلام) به این معنا روایت شده است: «برای ما دعوت کنندگانی خاموش باشید» [782]؛ یعنی با علم، عمل و سیره‌ی حسنه در بین مردم، و نه فقط با گفتار؛ که بهترین ادای تعبیر و دعوت اساسی، همان عمل به آن می‌باشد. در کتاب کریم آمده است: (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا سخنانی بر زبان می‌رانید که به کارشان نمی‌بندید؟ * بر خداوند سخت ناپسند است، که بگویند و به جای نیاورید!) [783].

وأخلاق القرآن تؤخذ من القرآن ومن أهل القرآن محمد وآل محمد . والحمد لله ورد عنهم في الحديث والدعاء والتفسير كثير جداً، وهو ثروة أخلاقية لا تنضب، ومع الأسف القرآن اليوم مهجور وميت في الحوزة العلمية في النجف الأشرف فضلاً عن غيرها، فالبحت يدور في المساجد التي أنشأها القرآن حول الكتب المنطقية

و الفلّسفة و الكلامية و النحوية، التي يدعون دراستها و تدریسها لفهم القرآن و السنة، في حين أنك لا تجد من يهتم بدراسة كتاب الله و البحث في تفسيره، و إذا وجد مثل هذا الاهتمام من قبل بعض المؤمنين فهو قليل يكاد لا يذكر!

اخلاق قرآن، از قرآن و اهل قرآن - محمد و آل محمد (ص) - برگرفته می شود، و به شکر خداوند که از آنها در قالب حدیث، دعا و تفسیر در این باب بسیار آمده است، و این ثروت، اخلاقی عظیمی است که پایانی ندارد. ولی با کمال تأسف امروز قرآن در حوزه علمی نجف اشرف مهجور و مرده است، چه رسد به سایر جاها، و در مساجدی که قرآن آنها بنیان نهاد، بحث بر سر منطق، فلسفه، کلام و نحو جریان دارد؛ موادی که آنها ادعای خواندن و تدریسش را به قصد فهمیدن قرآن و سنت می کنند، در حالی که شما کسی را نمی یابید که به تدریس کتاب خدا و تفسیرش اهتمام ورزد و اگر چنین اهتمامی را از سوی برخی مؤمنان ببینید، آنها به قدری اندک هستند که قابل ذکر نمی باشند!

قال تعالى: (وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا) [784]. وقال رسول الله في وصف حالنا اليوم: (مساجدهم عامرة وهي خراب من الهدى) [785]، أي عامرة بالناس ولكنهم ليسوا على الطريق الذي رسمه القرآن و محمد و آل محمد .

حق تعالی می فرماید: (و فرستاده گفت: ای پروردگار من! قوم من این قرآن را ترک گفتند) [786] و رسول خدا (ص) در وصف وضعیت امروز ما می فرماید: «مسجدها شان آباد ولی از هدایت، تهی است» [787]؛ یعنی با حضور مردم آباد است ولی بر طریقی که قرآن و محمد و آل محمد (ص) ترسیم نموده اند، نمی باشند.

وقال أمير المؤمنين (ع) في وصف معظم أهل العلم في زماننا هذا: (نبذ الكتاب حملته وتناساه حفظته) [788]، أي المفروض أنهم حملته وحفظته، وهم طلبة العلوم الدينية والعلماء.

امير المؤمنين (ع) در توصیف بیشتر اهل علم در این زمانه‌ی ما می‌فرماید: «حاملان کتاب (قرآن) آن را به کناری افکنده و حافظانش، فراموشش می‌کنند» [789]؛ یعنی از آنها خواسته شده که حملش کنند و حفظش نمایند، و منظور از اینان، طلبه‌های علوم دینی و علما می‌باشد.

هذا، وإن وُجِدَ بحث في الكتاب الكريم. فهو يدور حول آراء المفسرين. التي لا يعدو كثير منها محاولات لصب آيات القرآن ضمن مجال القواعد النحوية والفلسفية وغيرها، مع أن كثيراً منها استقرائية تحتمل الخطأ وكثيراً منها خلافية لم يتحرر النزاع فيها. ولو أنهم فسروا الكتاب على ما ورد في روايات أهل بيت العصمة ولم يتعدوا الصراط المستقيم الذي رسمه أهل البيت لتدبر القرآن وتفسير آياته لكان خيراً لهم وأقرب للتقوى. ولكن أنى لهم ذلك.

آنها حتی کنکاش و تحقیق در کتاب کریم را اینگونه یافتند که گرد آرا و نظرات مفسرینی که بسیاری از آنها سعی دارند آیات قرآنی را در ضمن عرصه‌های قواعد نحوی، فلسفی و غیره بیامیزند، با وجود اینکه بیش تر قواعد استقرائی است و احتمال خطا در آنها وجود دارد و همچنین در بیشتر آنها ناسازگاری‌هایی وجود دارد که نزاع در موردشان هرگز پایان نیافته است. اما اگر آنها کتاب را بر اساس آنچه در روایات اهل بیت عصمت (علیهم السلام) وارد شده تفسیر می‌کردند، و از آن صراط مستقیمی که اهل بیت (علیهم السلام) برای تدبیر در قرآن و تفسیر آیاتش ترسیم نموده‌اند، عدول نمی‌کردند، برای آنها بهتر و به تقوی نزدیک‌تر بود؛ اما آنها را چه به این کارها!

قال أمير المؤمنين (ع) في وصف حال أهل هذا الزمان مع القرآن: (وليس عند أهل ذلك الزمان سلعة أبور من الكتاب إذا تلي حق تلاوته، ولا أنفق منه إذا حرف عن مواضعه) ([790]).

امير المؤمنين (عليهم السلام) در وصف حال اهل اين زمان با قرآن می فرماید: «و در نزد مردم آن زمان چیزی بیارزشتتر از کتاب خدا نخواهد بود، اگر آن طور که باید و شاید خوانده شود، و هیچ متاعی پرشتریترو گران قیمتتر از آن نخواهد بود، اگر از جایگاه خود تحریف گردد» [791].

ويجب الالتفات إلى أنّ معرفة تفسير كتاب الله غير مقتصرة على طلبة الحوزة العلمية فقط، بل على كل مسلم معرفة تفسير كتاب الله ما أمكن. ومهمة طلبة الحوزة هي تعلم التفسير الصحيح وتعليمه للناس في المساجد وفي غيرها، ويجب أن تفتح دورات لتعليم تفسير كتاب الله في كل مكان.

باید توجه داشت که شناخت تفسیر کتاب خداوند فقط مختص به طلبه‌های حوزه‌ی علمیه نیست، بلکه بر هر مسلمانی واجب است در حدّ امکان تفسیر کتاب خدا را بشناسد. وظیفه‌ی طلبه‌ی حوزه‌ی علمیه فراگرفتن تفسیر صحیح و تعلیم دادن آن به مردم در مساجد و سایر مکان‌ها می باشد، و باید مجالسی برای تعلیم تفسیر کتاب خدا در هر مکانی گشایش یابد.

فالعقائد الإسلامية الصحيحة كلّها في كتاب الله وبمعرفة تفسيره وتأويله الصحيح وبمباحثة كتاب الله باستمرار، وإدراك معانيه ومفرداته ينكشف للمجتمع الإسلامي كله مغالطات أئمة الضلال، أمثال ابن تيمية، وابن عبد الوهاب، واتهاماتهم الباطلة للمسلمين بالشرك، كما وينكشف الطواغيت وأعدائهم وخططهم الشيطانية التي يهدفون من ورائها تضليل المجتمع الإسلامي.

تمامی عقاید اسلامی صحیح در کتاب خدا وجود دارد، و با شناخت آن و تفسیر و تأویل صحیح و با مباحثه‌ی مستمر در کتاب خدا و درک معانی و واژگانش، تمامی مغالطه‌گری‌های پیشوایان گمراهی، امثال ابن تیمیه و عبد

الوهاب و اتهام زنی های باطل آنها به مسلمانان بر شرک، آشکار می گردد؛ همان طور که طاغوت ها و اعوان و انصارشان و برنامه های شیطانی شان که هدف از آنها پس پرده، به گمراهی کشانیدن جامعه ی اسلامی می باشد، آشکار خواهد شد.

ب - العقائد الإسلامية الصحيحة تعلمها وتعليمها:
ب - تعليم وتعلم عقاید صحیح اسلامی:

وهي العقائد المستقاة من الآيات القرآنية المحكمة والسنة. أمّا الآيات القرآنية المتشابهة فيجب إحكامها ومعرفة تفسيرها وتأويلها من الروايات التي وردت عن النبي وآله الأطهار ، لا أن يؤولها كل بهواه ويعتقد ما يشاء.
که عقاید برگرفته شده از آیات محکم قرآنی و سنت می باشد؛ اما در مورد آیات متشابه باید محکم کردن و شناخت تفسیر و تأویل شان از طریق روایاتی که از پیامبر و آل اطهارش (علیهم السلام) وارد شده است، صورت پذیرد، نه اینکه هر کس طبق خواست های نفسانی خود و آنچه خود اعتقاد دارد، آنها را تأویل نماید.

ونصیحتي لإخواني المؤمنین:
و نصیحتی برای برادران مؤمنم:

تحصيل العقائد من القرآن المفسّر بروايات أهل البيت وبتھا في المجتمع الإسلامي؛ ليكون مجتمعاً دينياً عقائدياً تزول الجبال ولا يزول عن عقائده القرآنية الصحيحة؛ ليكون بذلك المجتمع الإسلامي مستعداً لاستقبال ونصرة الإمام المهدي (ع).

به دست آوردن عقاید از قرآن تفسیر شده با روایات اهل بیت (علیهم السلام) و انتشار آن در جامعه‌ی اسلامی؛ تا اینکه تبدیل به جامعه‌ی دینی عقیدتی گردد، که اگر کوه‌ها فرو ریزند، جامعه از عقاید قرآنی صحیحش کوتاه نیاید؛ تا به این ترتیب این جامعه‌ی اسلامی برای استقبال و یاری دادن امام مهدی (ع) آماده گردد.

ج- الأحكام الشرعية:

ج - احكام شرعی:

وتعلّمها واجب على كل مسلم؛ لأنّه مبتلى بها في حياته كمعاملات ومكّلف بأدائها كعبادات، بل إنّ واجب كل مسلم بعد أن يتعلّمها أو يتعلّم بعضها أن يعلم إخوانه المسلمين.

یادگیری احکام بر- هر- مسلمانی واجب- است-؛ زیرا در زندگی به- آنها مبتلا- نظیر معاملات- و مکلف به ادای آنها- همچون عبادات- می باشد، و حتی بر هر مؤمنی واجب است که آنها یا برخی از آنها را به برادران مؤمن مسلمانانش بیاموزاند.

والحقیقة أنّ الموجود في معظم كتب الفقه اليوم هو فتاوى وأحكام شرعية كلية تنطبق على مصاديق كثيرة في الخارج، أي: في مجتمعنا الإسلامي وتطبيقها على مصاديقها ليس بأقل أهمية منها، بل دون تطبيقها على مصاديقها لا تكون لها أي فائدة عملية، فواجب طلبة الحوزة العلمية العاملين حفظهم الله من كل سوء هو تطبيق هذه الأحكام الكلية على مصاديقها في مجتمعهم الإسلامي، وتنبيه الناس إلى المحرّمات الكثيرة التي استهانوا بها، بل على بعض طلبة الحوزة العاملين أن يتصدّوا لكتابة تطبيق الأحكام الشرعية على مصاديقها في المجتمع الإسلامي، وهذا واجب كفائي ربما يأتّم بتركه الجميع.

در حقیقت آنچه در بیش تر کتاب‌های فقهی امروزی وجود دارد، فتواها و احکام شرعی کلی است، که بر موارد بسیاری در خارج یعنی در جامعه‌ی اسلامی ما- منطبق می‌گردد و تطبیق دادن آنها بر مصادیق‌شان دارای اهمیت کمتری از خود آنها نیست، و حتی بدون تطبیق دادن آنها بر مصادیق‌شان هیچ فایده‌ی عملی در بر نخواهند داشت. پس بر طلبه‌های عامل حوزه‌ی علمیه که خداوند از هر شرّی حفظ‌شان کند، واجب است این احکام کلی را بر مصادیق‌شان در جامعه‌ی اسلامی‌شان انطباق دهند و مردم را از محرّمات و گناهان بسیاری که آنها کوچک‌شان می‌شمارند بر حذر دارند؛ حتی بر برخی طلبه‌های عامل حوزه‌ی علمیه واجب است که اقدام به تدوین و نوشتن تطبیق احکام شرعی بر مصادیق آن در جامعه‌ی اسلامی نمایند، و این یک واجب کفایی است؛ شاید با ترک گفتن آن همه‌ی جامعه در گناه گرفتار شوند.

[769]- يقال : محل به إلى السلطان محلاً، أي : كاده بسعاية إليه. فالقرآن ماحل مصدّق إذا سعى برجل إلى الله صدّقه عزّ وجلّ.

[770]- الأنيق: هو الحسن. والتخوم جمع تخم بالفتح، وهو : منتهى الشيء.

[771]- تفسير العياشي: ج 1 ص 3، بحار الأنوار: ج 89 ص 17.

[772]- تفسير عياشي: ج 1 ص 3 ؛ بحار الانوار: ج 89 ص 17.

[773]- في بعض نسخ تفسير العياشي: لا تذيقه.

[774]- في بعض نسخ تفسير العياشي: عن كثرة الرد.

[775]- في بعض نسخ تفسير العياشي: تلبث . وفي بعضها : تناه.

[776]- تفسير العياشي: ج 1 ص 3، بحار الأنوار: ج 89 ص 24.

[777]- تفسير عياشي: ج 1 ص 3 ؛ بحار الانوار: ج 89 ص 24.

[778]- الخصال للشيخ الصدوق: ص 175، بحار الأنوار: ج 7 ص 223، وسائل الشيعة (طبعة آل البيت): ج 5 ص 202 وفيه: أولى بذلك منك.

[779] - خصال شيخ صدوق: ص 175 ؛ بحار الانوار: ج 7 ص 223 ؛ وسائل الشيعة (چاپ آل البيت): ج 5 ص 202 كه در آن آمده است: «از شما به اينها سزاوارترم».

[780] - دعائم الإسلام: ج 1 ص 57، شرح الأخبار: ج 3 ص 506، مستدرک الوسائل: ج 1 ص 116. والحديث عن الإمام الصادق (ع).

[781] - الصف: 2 - 3.

[782] - دعائم اسلام: ج 1 ص 57 ؛ شرح الاخبار: ج 3 ص 506 ؛ مستدرک الوسائل: ج 1 ص 116؛ و حديث از امام صادق (ع) می باشد.

[783] - صف: 2 و 3.

[784] - الفرقان: 30.

[785] - الكافي: ج 8 ص 308، ثواب الأعمال: ص 253، بحار الأنوار: ج 2 ص 109.

[786] - فرقان: 30.

[787] - كافي: ج 8 ص 308 ؛ ثواب الاعمال: ص 253 ؛ بحار الانوار: ج 2 ص 109.

[788] - نهج البلاغة بشرح محمد عبده: ج 2 ص 31، الكافي: ج 8 ص 387، بحار الأنوار: ج 34 ص 233.

[789] - نهج البلاغه با شرح محمد عبده: ج 2 ص 31 ؛ كافي: ج 8 ص 387 ؛ بحار الانوار: ج 34 ص 233.

[790] - نهج البلاغة بشرح محمد عبده: ج 2 ص 30، الكافي: ج 8 ص 378 باختلاف يسير، بحار الأنوار: ج 34 ص 233.

[791] - نهج البلاغه با شرح محمد عبده: ج 2 ص 30 ؛ كافي: ج 8 ص 378 با اختلافی اندک ؛ بحار الانوار: ج 34 ص